

## نگاهی به دشواری‌های پژوهش در هنر اسلامی

سعیده رضایی پور\*

### درآمد

از گذشته‌های بسیار دور، هنر یکی از وسیله‌ها و راه‌های ارتباط میان فرهنگ‌های مختلف بشری بوده است. باتوجه به گسترش فوق‌العاده قلمرو هنر در ایران و در اختیار داشتن مجموعه‌های غنی و کامل آثار هنری گذشتگان، همواره ضرورت این امر حس می‌شود که به‌طور شفاف و جدی به بررسی و تحلیل و پژوهش در تمام رشته‌های هنری پرداخته شود. اگر چه یکی از آسیب‌هایی که امروزه اهل هنر بدان دچار شده‌اند، دور ماندن از حوزه پژوهش‌های تخصصی در هر رشته‌ی هنری است ولی پژوهشگرانی که قصد بررسی هنر این سرزمین را دارند، علاوه بر کمبود کتب و منابع با دشواریها و موانع بسیاری روبه‌رو می‌شوند. در این نوشتار، سعی بر آن است که بیشتر درباره موانع و مشکلات پژوهشگران در حیطه‌ی هنر اسلامی سخن گفته شود و در پایان، راهکارهایی هرچند اندک، برای حل و رفع این مشکلات بیان گردد.

واژگان کلیدی: هنر، پژوهش هنر، هنر اسلامی

\* کارشناس ارشد پژوهش هنر



## مقدمه

پژوهش‌های جدی درباره هنر ایران از اوایل سده بیستم شروع شد و در دهه‌های اخیر وسعت قابل ملاحظه‌ای یافته است. بیشتر این تحقیق و پژوهش‌ها توسط مستشرقانی انجام و منتشر شده است که عمده توجه‌شان، سیر تاریخی، شیوه‌ها و جایگاه این آثار مطابق و منطبق بر اصول و روش‌های «تاریخ هنر» بوده است. کمتر پژوهشگری را می‌توان یافت که در یافته‌های خویش به معرفی عمق و باطن این هنر و ارزش‌های بالای آن پرداخته باشد. از این رو منابع و کتب اندکی درباره مضامین اصلی و زیبایی‌شناسی هنر ایران یافت می‌شود.

با ایجاد رشته‌های تئوری و نظری، مانند پژوهش هنر در دانشگاه‌ها در چند سال اخیر، نگاهی نو به هنر موجب شده که در این راستا پژوهشگران به مفاهیم ناگفته‌ای از هنر ایران بپردازند. اما برخی از مشکلات و موانعی که سر راه این محققان قرار دارد، به گذشته‌ها برمی‌گردد؛ زیرا آثاری که مورد پژوهش و کاوش آنهاست، بسیار پراکنده اند و دستیابی و دسترسی به همه‌ی آنها مستلزم سفرهای دور و دراز و رفت و آمدهای پیاپی به کتابخانه‌ها و موزه‌های جهانی و استمداد از کارشناسان است. مجموعه‌ای غنی و کامل از آثار هنری ایران در بزرگترین و مهمترین موزه‌های جهان جای دارد.

جز آنچه که گفته شد؛ دشواری‌های دیگری نیز در این راه وجود دارد؛ از آن جمله، کمبود آثار هنری به جای مانده است که فضاهای خالی در مسیر تاریخ هنری را وسعت می‌بخشد و دستیابی به ساختار کاملی از یک مکتب هنری را دشوار و یا غیرممکن می‌کند؛ مگر آنکه به یک نمونه‌ی تنها که از دستبرد روزگار مصون مانده است، اکتفا کنیم. محققانی که عزم دارند تا تحقیقاتی در حیطه‌ی هنر اسلامی داشته باشند، به جز آماده نبودن برخی از شرایط پژوهشی، با مشکلاتی که به تاریخ و گذشته‌ها برمی‌گردد روبه‌رو هستند. برخی از موانع و مشکلات، از این دست می‌باشند:

## لشکرکشی‌های ویرانگر مغولان

عامل تخریب وسیعی که بیشتر کتب خطی و دستاوردهای فرهنگی و هنری مسلمانان را به نابودی کشانید، لشکرکشی‌های مخرب مغولان بود. بسیاری از سپاهیان مسلمان که در جنگ‌ها و غارتگری‌های داخلی، کتابها و آثار هنری را به غنیمت می‌بردند، چون از ارزش مادی آنها آگاه بودند، آنها را به قصد فروش حفاظت و نگه‌داری می‌کردند، اما مهاجمان ویرانگر و وحشی مغول، از هرچه نزد مسلمانان گرمای و مقدس بود بیزار بودند و علما و کتابها را بی ارزش می‌شمردند. شرح حال فجایع و غارتگری‌های مغولان در تاریخ ایران ثبت شده است. مغولان در دو مرحله به ایران حمله کردند و بر مراکز فرهنگی این کشور موج ویرانگری

را فرود آوردند. مرحله‌ی اول توسط چنگیزخان مغول و نوه‌اش هولاکوخان و مرحله‌ی دوم، توسط تیمور انجام گرفته است. در جریان ساختن حصارها و قلعه‌ها و کاخها و ساختمانهای دیگر و در حین آتش سوزیهای شهرها و مراکز فرهنگی و هنری آن زمان، بیشترین آثار هنری و نقوش دیواری که مورخان از آنها به عنوان نمونه‌های برجسته‌ی هنر اسلامی نام برده بودند، نابود شد.

کمبود اطلاعات درباره شرح حال هنرمندان و شیوه‌ی کار آنان، آگاهی و شناخت ما از شرح حال هنرمندان و شیوه‌ی کار آنان بسیار اندک است. با آنکه تذکره‌نویسی، یکی از مظاهر فعالیت ادبی در دنیای اسلام بوده است، اما هیچ کوشش وسیع و فراگیری در زمینه نگارش شرح حال هنرمندان نشده است. این فرضیه وجود دارد که در روزگار عناد با آثار هنری به خصوص آثار نگارگری، با هنرمندان و تصویرگران رفتار ملایم تری نشده است. برخی از این هنرمندان از بیم برخی تعصبات، حتی از ثبت نام خود بر آثارشان امتناع می‌ورزیدند و گاهی به صورت عبارتهایی مانند «کمترین بندگان»، تواضع خویش را نشان می‌دادند. در حالیکه در همان حیات فرهنگی آن زمان، خوشنویسان و خطاطان مورد تکریم و گرامیداشت قرار می‌گرفتند و نام خود را بر روی دستنوشته‌های خویش ثبت می‌کردند، اما نقاشان و معماران و هنرمندان صنعتگر گمنام می‌ماندند.

## تاریخ و موضوع آثار

آثاری که تاریخ ترسیم آنها ثبت شده و به خصوص آثار نگارگری که نام و امضاهایی بر روی آنها دیده می‌شود، به تنهایی قابل اعتماد نیست و در برخی از آثار، شناسایی مشخصات آنها، می‌تواند از راه بررسی ویژگی‌های اثر با آثار مشابه امکان پذیر باشد. عاملی که بر این دشواری می‌افزاید این است که بعضی از آثار پس از تولید در دوره‌های مختلف تاریخ، شرحی بر آنها نوشته شده است که باعث سردرگمی پژوهشگران در شناسایی آثار می‌شود. برخی از تصاویر آثار هنری ایرانی که در موزه‌های خارج از کشور نگهداری می‌شوند، در سایتهای لاتین وجود دارد که گاهی تاریخ تولید اثر اشتباه است و بر اساس اطلاعات نادرست به دوره و مکتبی اطلاق شده است. بر این اساس، نمی‌توان بر این اسناد اکتفا نمود و پایه‌ی تحقیقات را بر اطلاعات مجهول بنا نمود.

## تاراج میراث فرهنگی

علاوه بر معضلاتی که گفته شد، یکی از مهمترین مشکلات پژوهشگران، نبود آثار هنری در موزه‌های ایران است. آن دسته از آثاری که توسط گذشتگان حفظ و نگهداری شده و از بلايا و جنگ‌ها مصون مانده اند، در دوره‌های پیشین توسط افرادی به تاراج برده شده است. امروزه اگرچه کشور ما به لحاظ دارا بودن موزه‌های غنی و پُر بار، چندان جایگاه

این فرضیه وجود دارد که در روزگار عناد با آثار هنری به خصوص آثار نگارگری، با هنرمندان و تصویرگران رفتار ملایم تری نشده است. برخی از این هنرمندان از بیم برخی تعصبات، حتی از ثبت نام خود بر آثارشان امتناع می‌ورزیدند و گاهی به صورت عبارتهایی مانند «کمترین بندگان»، تواضع خویش را نشان می‌دادند.

رفیعی در دنیا ندارد، ولی سهم ما ایرانیان در غنی سازی و انباشتگی آثار تاریخی و فرهنگی در دیگر موزه های جهان بسیار چشمگیر است. دور از ذهن است که به موزه های معتبر در دیگر سرزمین ها به ویژه کشورهای استعمارگری همچون فرانسه، انگلیس، آمریکا و روسیه رفته و ویتزینها و گالریهای آنها را مملو از آثار ارجمند ایران و کهن یادگارهای نیاکامان ببینیم.

نفیس ترین مجموعه ها از آثار هنرهای ایرانی در موزه متروپولیتن نیویورک می باشد. موزه آرمیتاژ در لنینگراد، مجموعه کاملی از مجموعه فلزی دوره ساسانیان را در اختیار دارد. از این میراث گرانبها موزه های دیگری نیز بهره برده اند، مثلاً موزه هنرهای زیبا در بستان از نمونه های نقش برجسته و موزه فاگ در کمبریج از آثار هنر نساجی بهره برده و همینطور موزه فیلاولفیا دارای قالیهای بسیار نفیس و مجموعه معماری است.

در خصوص نگهداری آثار هنری ایران در موزه های خارج از کشور، اغلب شنیده می شود که این آثار در موزه های خارج از کشور بهتر نگهداری می شوند و گرته تا به حال از بین رفته بودند. وقتی به تاریخ آثار هنری موجود در موزه های خارج از کشور پی می بریم، این نکته روشن می شود که بسیاری از آنها قدمتی بیش از هزار سال دارند و از سویی تاریخ خروج این آثار از ایران به صد و چند سال اخیر باز می گردد. بر این اساس، این سؤال در ذهن انسان مطرح می شود که چگونه اجداد ما توانسته اند قرن ها از این آثار محافظت نمایند؟ تاراج وحشتناک میراث فرهنگی در کشور ما، عمدتاً از سده ی نوزدهم توسط هیئت های باستان شناسی فرنگی آغاز شد. اینگونه افراد به بهانه های مختلف وارد ایران شده و با خود دزدانه های میراث کشورمان را به کشورهای خود منتقل می کردند. در این میان نیز شاهانی بودند که به فروش آثار هنری پرداخته اند.

به طور مثال می توان، به سرنوشت یکی از شاهکارهای نسخ خطی ایران اشاره نمود. «شاهنامه سلطان ابوسعید» (معروف به دموت) مهمترین شاهکار به جای مانده از مکتب اول تبریز، در اواخر حکومت سلطان ابوسعید ایلخانی و وزیر او خواجه غیاث الدین محمد، فرزند وزیر مقتول، خواجه رشیدالدین، در بین سالهای ۷۳۱ الی ۷۳۶ق در تبریز، احتمالاً زیر نظر احمد موسی و شاگردانش مصور شده و دارای ۵۸مجلس است. آمده است زمانی که محمدعلی شاه قاجار (۱۳۳۴-۱۳۴۳ق) به مضیقه مالی دچار می شود، این شاهنامه ی نفیس را برای پرداخت پول عطر و لباس زنانش می فروشد. به نقل از مارتین سوئدی، وقتی این شاهنامه توسط یک تاجر ارمنی در هتلی در پاریس در چمدانی فرسوده برای فروش آورده شده بود، آن را دیده است.

همزمان، در اواخر دوره ی قاجار (اواخر قرن نوزدهم میلادی)، توجه مجموعه داران آثار هنری فرنگی به آثار هنری کشورهای اسلامی از جمله ایران جلب شد و عده ای

از آنها به شدت در پی گردآوری این آثار برآمدند و اندک آثاری که از آسیبهای ناشی از جنگها و انقلابهای سیاسی در امان ماندند، در دوره های بعدی توسط شاهان بی کفایت ایران از دست رفته و به موزه های بیگانگان اضافه شدند.

### نتیجه گیری

با وجود تمامی مشکلات و محدودیتها، همواره پژوهشگران به ارائه اندیشه و تفکر خود در باب هنر ایران به مخاطبان خویش اهتمام ورزیده اند. اما راهکارهایی از سوی بعضی ارگانها و مؤسسه ها نیز باید اندیشه می شود و برخی از مشکلات هموار شوند تا بتوان از این طریق، تمامی ابعاد و ویژگیهای هنر ایرانی در رشته های گوناگون و آثاری که دسترسی به آنها امکانپذیر نیست را مشخص و روشن نمود. یکی از این راهکارها که می تواند به رفع این مشکلات کمک کند، دایر کردن پژوهشکده هایی با جذب نیروهای متخصص و کارآمد در هر شهر به صورت مجزاست تا هنر مناطق گوناگون به صورت تخصصی و فعالیتهای علمی و پژوهش های بنیادی و کاربردی انجام شود و در پی آن، زمینه فکری قوی در حوزه فرهنگ و هنر اسلامی ایجاد گردد. بحث دیگری که اکنون به آن توجه کافی نشده است، پایان نامه های دانشجویی رشته ی پژوهش هنر و بسیاری از مقالات نوشته شده توسط پژوهشگران است که قابلیت مکتوب شدن و عرضه به مخاطبان را دارد.

همانطور که پیش تر بیان گردید، یکی از موانعی که بر سر راه پژوهشگران قرار دارد، نبود آثار هنری در داخل کشور و نداشتن تصاویر، اطلاعات و مشخصات کافی مورد نیاز برای پژوهش است. برای حل اینگونه مشکلات نیز می توان با همکاری با موزه های خارج از کشور، آلبوم هایی از گنجینه های هنری ایران در هر رشته هنری به صورت مجزا جمع آوری کرد تا در دسترس محققان ایرانی قرار گیرد. حتی با فرستادن کارشناسان آگاه و متخصص به موزه ها و برگزاری همایش ها، سمینارها و گردهمایی های بین المللی با کشورهای مختلف، به اطلاعاتی درباره آثار هنری ایرانی اسلامی دست یافت.

در همه حوزه ها به ویژه فرهنگ و هنر، پژوهش مورد غفلت قرار گرفته است. حوزه پژوهش، حوزه تولید فکر، اندیشه و بروز خلاقیت حرفه ای نوین در عرصه فرهنگی است و اگر به آن پرداخته نشود، نمی توان به توسعه ی پایداری دست پیدا کرد. همواره توجه به هنر در ایران به صورت حسی بوده و به صورت تجربه ای زیبایی شناسی تلقی گشته است؛ درحالیکه توجه توأمان به نکات تئوری و عملی هنر برای رشد آن، اهمیت بسزایی دارد. پژوهش های بنیادی و کاربردی درباره آثار هنری گذشتگان نیز به زمینه فکری قوی در حوزه فرهنگ و هنر اسلامی و رفع برخی معضلات کمک خواهد کرد.

